

هفت آسمان

اینترنتی که چندین پدر دارد

● هفته اول شهرویر ایران میزبان پدر اینترنت است. خبر ساده بود، وینتون سرف که از او به‌عنوان پدر اینترنت یاد می‌شود،برای حضور در اجلاس بین‌المللی فناوری پارسی‌زبانان (Persian ICT Week) می‌آید. او در اجلاسی دوازده – هشتم و نهم شهرویر (۳۰ و ۳۱ آگوست ۲۰۱۴) - در محل سالن اجلاس سیران تهران سخنرانی می‌کند. این اجلاس با همین نام و با موضوع کلی «اینترنت، پیشران توسعه اقتصادی» برپا می‌شود. این همایش با همکاری سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور و اتحادیه فناوری اطلاعات و ارتباطات عرب (اجمع) برگزار می‌شود. علاوه بر این «فادی شهاده» (FadiChehade) مدیرعامل شرکت اینترنتی (ایکان) در این همایش سخنرانی خواهد کرد.قرار است در هفته فناوری پارسی‌زبانان نخستین اجلاس مجمع راهبری اینترنت پارسی‌زبان و نخستین برنامه چالش فناوریانه (Innovation Challenge) برپا شود.

اما در این چندروز گذشته که خبر آمدن این دانشمند به ایران منتشر شده، واکنش‌های متعددی درباره «وینتون سرف»، دانشمند آمریکایی و پدر اینترنت‌بودن او مطرح شده است. از او به‌عنوان پدر اینترنت نام می‌برند اما به گزارش ایسنا تا چندسال پیش برای این پدیده نوین قرن ۲۰ از پدر دیگری با نام «رابرت برمر» نیز یاد می‌شد البته در عین حال نام «رابرت کان» هم به‌عنوان یکی دیگر از پدران اینترنت مطرح می‌شود. خود سرف پیش از این اعلام کرده بود: « باید بگویم که این اشتباه است که مردم افتخار پدری اینترنت را فقط به من نسبت بدهند. بیشتر کاری که من برای اختراع اینترنت انجام دادم به‌صورت مشترک بود. اول از همه با باب (رابرت) کان و بعدا با خیلی دیگر از آدم‌ها که در مسیر تکاملی معماری اینترنت شرکت کردند» اما همین ماجرای برقراری ارتباط در این سطح برای فضای علمی ما می‌تواند به اندازه کافی جایز اهمیت باشد.

آمیولانس



پوریا عالمی

● ستون «آمیولانس» امروز استثنائا منتشر نمی‌شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۳ ۹ رمضان ۱۴۳۵ ۷ جولای ۲۰۱۴ «سال یازدهم» شماره ۲۰۵۸ ۱۶صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۴۴ اذان صبح فردا ۴:۱۱ طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی

aliromani84@gmail.com



پاسخ به فراخوان

نیکوکاری بی‌واسطه

انجام‌دادن چنین اموری، متفاوت است با زمانی که کسی واسطه آن می‌شود. اتفاقا چندسال پیش هم عده‌ای از دانشجویان و جوانانی که به کلاس‌های قرآن می‌آمدند، طعم‌ای برای مستمندان تهیه کرده و شبانه آن را پشت در منازل نیازمندان می‌گذاشتند و به‌مرور هم نهدادی بنا کردند که با همین سبک‌وسباق مایحتاج نیازمندان را تأمین می‌کرد.

سلام به فردا

داستان‌های عامه‌پسند مضر است؟

طرح کردم، از دید خودم پاسخ بدهم و آن این است که نگرانی از چسپ و رواج این آثار مورد ندارد، آنها به نیاز خاصی پاسخ می‌دهند و نمی‌توانند جایگزین ادبیات جدی و اصیل شوند و نمی‌توان انتظار داشت که همه کتابخوان‌ها آثار جدی ادبیات را مطالعه کنند.

شاهد این ادعا هم کسانی هستند که مطالعه را با این داستان‌ها شروع کردند، اما در همان حد متوقف نشدند و سطح خواسته خود را از مطالعه ارتقا دادند و به آثار جدی ادبیات پیوند خوردند. در این روند مهم این است که کتابخوان، خواندن را ادامه دهد و آن را رها نکند. اگر به خواندن ادامه دهد، یقینا سلیقه‌اش، بالا رفته، شناختش افزایش یافته‌ و راه خود را پیدا خواهد کرد.

در این میان وظیفه منتقدان را نباید دست‌کم گرفت. آنها می‌توانند با معرفی آثار درخور، خوانندگان را با آثار ارزشمند آشنا کنند و با نقد و بررسی آنها به شناخت خواننده کمک کنند.

ادبیات هم مانند سایر هنر‌ها نیاز به شناخت و درک هنری دارد و این پروسه در یک فرآیند مطالعه به‌دست می‌آید و نه ابتدا به ساکن، اما در همه حال یک اصل را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه هر اثری چه جدی و چه عامه‌پسند باید شیرین و خواندنی باشد تا مخاطب را جذب کند. جامعه به همه‌گونه ادبیات نیاز دارد، اما از نوع خوب آن. در میان ادبیات عامه‌پسند هم آثار خوب و بد وجود دارد، باید تلاش کرد، در این نوع ادبیات هم کارهای خوب تولید شود.

جدی و اصیل کند، به سوی خود جلب کرده و ادبیات جدی از این حمایت‌ها برکنار می‌ماند. آیا این استدلال دارای پشتوانه علمی و منطقی قوی است؟ آیا به راستی ادبیات عامه‌پسند جای ادبیات واقعی را تنگ کرده‌اند؟ آیا سهم آنها را از امکانات نشر نصیب خود می‌کنند؟ آیا خوانندگان را سطحی بار می‌آورد؟

داستان‌های پلیسی گونه‌ای ادبیات عامه‌پسند که نویسندگان شاخصی دارد، آگاتا کریستی، ژرژ سیمنون و جان گریشام در سال‌های اخیر و میکی اسپیلین، امیرعشیری و... در سال‌های قبل‌تر در ایران معروف بودند.

خود من یکی از خوانندگان پروبالقرص آثار میکی اسپیلین بودم، کتاب‌های این نویسنده را از کتاب‌فروشی‌های شهرستان شسی یک ریال کرایه می‌کردم و بسا ولع خاصی آنها را می‌خواندم و تا کتاب را تمام نمی‌کردم زمین نمی‌گذاشتم.

به‌جز آثار عامه‌پسند پلیسی، کتاب‌های عشقی و اجتماعی هم بود از نویسندگانی چون امیلی برونته، دانیل استیل، جواد فاضل، حسینقلی مستعان و... که خوانندگان فراوانی داشتند.

اینکه چرا این آثار خوانندگان زیادی داشت، به چه نیاز مخاطبان پاسخ می‌داد که خوانندگان – به‌ویژه نوجوانان – ترجیح می‌دادند آنها را برای خواندن انتخاب کنند؟ بحثی است که در این نوشته قصد بررسی آن را نداریم. من تنها می‌خواهم به پرسشی که در ابتدای نوشته

درام تلفنی

چشمک بزن ستاره

- به من میگه دی‌دریمی.
- چی؟
- از اونجا یاد گرفته. میگه اونایی که نوی عالم هیروتن.
- فقط قرص می‌خوره؟
- آره فقط.
-
- خانم طیار؟
- جانم.
- یه‌چیزی بگم به کسی نمی‌گین.
- نه بگو.
- قول؟ آخه یه رازم.
- قول.
- دیشب رفتم دم پنجره به آسمون نگاه کردم گفتم خدایا خودتو به من نشون بده.
- استغفرالله..
- یهو به ستاره تو آسمون برق زد.
-
- خانم طیار؛ پس حضوری می‌گین مارو ببرن استخر؟
-
- خانم طیار؟
- جانم.
- پس حضوری می‌گین مارو ببرن استخر؟
- آره، میگم.

در همین حوالی

تلخ و شیرین خبری

آزاده صمدی

ناخوشایند هستند، دلم می‌خواهد خبرهای خوب بشنوم. منتظر یک خبر خوش‌حال‌کننده هستم، مثلا یکی از چیزهایی که شادم می‌کند، نتایج موفق بازی‌های تیم‌ملی والیبال در جام‌جهانی است که می‌تواند حال و روحیه همه مردم را کی بهبود بخشد.

نگارش درآورده است و در داستان‌هایش از کنارآمدن انسان‌ها با شرایط متفاوت زندگی‌شان می‌گوید. این کتاب در ۱۴۵ صفحه و به قیمت هشت‌هزارتومان منتشر شده است. یک کمونیست پارسی قرار است به‌عنوان نماینده ملت‌های تحت ستم امپریالیسم فرانسه، در کنگره صلح مسکو شرکت کند. ولی او جمله‌های مورد نیاز را مانند تئاتر و با چنان مهارتی یاد می‌گیرد و اجرا می‌کند که همه شرکت‌کنندگان کنگره شگفت‌زده‌می‌شوند.

خریداری‌شده، با نصف قیمت پشت جلد دوباره به فروش می‌رسند.
● همچنین مجموعه داستان کوتاه «کمونیست موماتر و داستان‌های دیگر»، نوشته میشائیل کلبرگ با ترجمه مریم مویدپور مدتی پیش از سوی انتشارات پیدایش منتشر شده است. نویسنده به دقت نظاره کرده و مشاهدات خود را به

پیشنهاد می‌کنم که در شب‌ها و روزهای ماه مبارک رمضان، همان کاری که مولای ما حضرت علی (ع) انجام می‌دادند را پیروی کنیم؛ یعنی به‌جای افطاری‌دادن در هتل‌های مجلل چندستاره با مبالغ گزاف؛ اُن هم به کسانی که نیازی به آن ندارند، بی‌سروصدا دم خانه افراد



ابراهیم یزدی

پیشنهاد می‌کنم که در شب‌ها و روزهای ماه مبارک رمضان، همان کاری که مولای ما حضرت علی (ع) انجام می‌دادند را پیروی کنیم؛ یعنی به‌جای افطاری‌دادن در هتل‌های مجلل چندستاره با مبالغ گزاف؛ اُن هم به کسانی که نیازی به آن ندارند، بی‌سروصدا دم خانه افراد



محمود برآبادی

نایب رییس انجمن نویسندگان

چندی پیش یکی از خبرگزاری‌ها از ایجاد تشکل انجمن نویسندگان عامه‌پسند خبر داد. اینکه در برهه‌ای از سال‌های بعد از انقلاب یعنی اواسط دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۷۰ کتاب‌های عامه‌پسند و نویسندگان عامه‌پسند به‌طور شگفت‌انگیزی زیاد شدند، برمی‌گردد به شرایط آن دوران که جای بحث اُن اینجا نیست، اما به طور کلی باید از هر تشکل صنفی در قلمرو ادبیات استقبال کرد، تشکل‌های صنفی و فرهنگی گونه‌ای نهاد مدنی هستند که می‌توانند کارکردهای مثبت فراوانی داشته باشند؛ اما همچنان این سوال جدی مطرح است: آیا داستان‌های عامه‌پسند برای جامعه مفید است؟

اغلب نویسندگان از جمله نویسندگان کودک و نوجوان از رواج و رونق ادبیات بازاری یا عامه‌پسند شکایت دارند. این نویسندگان از اینکه ادبیات سبک و گاه سطحی، جای ادبیات جدی را گرفته می‌نالند. آنها می‌گویند همین تعداد خواننده محدود را هم این آثار به خود جلب می‌کنند، چرا که اینها رگ خواب خواننده آسان‌طلب را به‌دست آورده و از این نقطه‌ضعف برای فروش آثار خود استفاده می‌کنند.

گاهی هم پا را از این فراتر گذاشته و معتقدند که آثار عامه‌پسند پارانهایبی را که دولت باید صرف ادبیات



سوسن مقصودلو

- خانم طیار؟
- جانم.
- میشه دوقرون با من حرف بزنین؟
- آره قریونت برم. ولی دوقرون را از کی شنیدی؟
- از عزیز. هروقت می‌خواد با کسی جدی صحبت کنه؛ میگه دوقرون حرف حساب.
- عزیزت خیلی بامزه است یه‌چیز دیگه هم می‌گفتن.
- پیشونی منو کجا می‌شونی؟
- آره. مامانت خوبه؟
- ای.....
- خونه است؟
- نه رفته خونه همساده باقالی پاک کنه.
- واسه ناهار؟
- نه واسه آقا ابراهیم سبزی‌فروش.
- کمرش خوب شد؟
- به لطف شما بد نیست.
- بارک‌الله دخترم چه قشنگ حرف می‌زنی.
- خانم طیار نامه نوشتین؟
- واسه کی؟

در این روزهایی که اطرافمان پر از خبرهای ناخوشایند است، ماجرای حملات گروه تروریستی «داعش»، ذهنم را بیش از بقیه اخبار مشغول کرده است. اخیرا ویدیویی از حملات این گروه را در فضای مجازی دیدم که برآیم بسیار ناراحت‌کننده بود و از خودم پرسیدم چرا هنوز در جهان

● کتابفروشی «افق» سال گذشته طرحی داشت که در آن مشتریان، به کتابفروشی کتاب می‌فروختند. این طرح، با استقبال روبه‌رو شد و به‌جای یک ماه، سه ماه ادامه یافت، امسال هم این طرح آغاز شده است. در طول این مدت، می‌توان کتاب‌های این نشر را که پیش‌تر خریده و خوانده‌اند، با یک‌سوم قیمت پشت جلد واگذار کنند و در ازای آن، کتاب، محصولات موجود در کتابفروشی افق یا پول نقد دریافت کنند؛ به شرط آنکه کتاب‌ها، سالم و تمیز باشند. به‌علاوه کتاب‌های



● همچنین مجموعه داستان کوتاه «کمونیست موماتر و داستان‌های دیگر»، نوشته میشائیل کلبرگ با ترجمه مریم مویدپور مدتی پیش از سوی انتشارات پیدایش منتشر شده است. نویسنده به دقت نظاره کرده و مشاهدات خود را به